

### متن پرسش

با عرض سلام و تشکر از حضرت استاد طاهرزاده: سؤالات مصاحبه در مورد حضرت فاطمه زهرا (س) ارسال می شود: ۱- چرا ابن عربی در فصوص الحکم، فصی را به حضرت مریم (س) که دو سوره از قرآن در مورد او و زندگی و وقایع مربوط به تولد حضرت مسیح (ع) صحبت می کند نپرداخته است. همچنین در مورد حضرت زهرا (س) هم فصی را اختصاص نداده است؟ ۲- دیدگاه عرفای اسلامی به مقام زن چگونه است؟ ۳- عرفان اسلامی حضرت زهرا (س) را چگونه معرفی می کند؟ ۴- عرفای بزرگ اسلامی خصوصا در اشعارشان حضرت را چگونه می ستایند و روی چه ویژگیهای حضرت تأکید دارند؟ ۵- در قرآن کریم به غیر از سوره کوثر و آیات مشهور مربوط به اهل بیت (ع) مانند تطهیر، مباحله و آیاتی از سوره انسان، چه آیاتی در شأن حضرت زهرا (س) نازل شده و یا در تفسیر و تأویل عرفانی به ایشان تو شخصیت ایشان تعبیر شده است؟ ۶- نقش حضرت زهرا (س) در بقا و استمرار اسلام ناب تا چه حد بوده است؟ با تشکر .

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- محی الدین در ابتدای فصوص می فرماید این فصوص را به همین شکل از حضرت رسول «صلوات الله علیه و آله» گرفته می گوید: «أما بعد: فَإِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ -ص- فِي مَبْشَرَةٍ أَرَيْتَهَا فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنَ الْمَحْرَمِ مُحْرَمِ سَنَةِ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ وَ سِتْمِائَةَ بِمَحْرُوسَةِ دِمَشْقٍ وَ بَيَدِهِ كِتَابٌ فَقَالَ لِي: هَذَا كِتَابُ فُصُوصِ الْحُكْمِ خُذْهُ وَ أَخْرِجْ بِهِ إِلَى النَّاسِ يَنْتَفِعُونَ بِهِ، فَقُلْتُ: السَّمْعُ وَ الطَّاعَةُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ أُولِي الْأَمْرِ مَنَّا كَمَا أَمَرْنَا... مِنْ رَسُولِ اللَّهِ رَأَيْتُهَا فِي مَبْشَرَةِ دِمَشْقٍ وَ بَيَدِهِ كِتَابٌ بِمَحْرُوسَةِ دِمَشْقٍ وَ بَيَدِهِ كِتَابٌ فَصُوصِ الْحُكْمِ اسْت. آن را بگیر و به مردم برسان تا از او نفع برند. من گفتم: السمع و الطاعة مر خدای و رسول خدای و اولی الامر را آن چنان که به ما امر فرمودند، ولی در کتاب «مناقب» در مورد حضرت زهرا «سلام الله علیها» و صلواتی که بر حضرت زهرا «سلام الله علیها» دارد می گوید: «و على الجوهرة القدسية فى تعین الانسية صورة النفس الكلية جواد العالم العقلية بضعة الحقيقة النبوية مطلع الانوار العلوية عين عيون الاسرار الفاطمية الناجية المنجية لمحبيها عن النار ثمرة شجرة اليقين سيده نساء العالمين المعروفة بالقدر المجهولة بالقبر قرّة عين الرسول الزهراء البتول عليها الصلاة و السلام» و نیز تحیات زاکیات بر آن پاکیزه جوهر قدس باد که با تجرد قدسیه در هیئت انسیه عالم بشریت را زینت تشکیل داده آن حقیقت طاهره خود صورت نفس کلی و جواد عالم عقلی است که در

صورت بشریه بضعه حقیقت احمدی و مشرق انوار علوم علوی و سرچشمه‌ی اسرار مکنونه‌ی فاطمی است چنانچه آن حقیقت قادسه در آغاز نزول از مقدسات عالم عقلی بوده در هنگام عودت و صعود نیز خود از ادناس بشریت رستگار، و آزادکننده‌ی دوستاران است از نکایت نار. آن جوهره‌ی قدسیه‌ی شیرین، ثمر شجر معرفت و یقین و سترک سیده‌ی نسوان عالمین است که قدر مراتب فضائلش معروف و مثنوی جسد عنصریه‌اش مجهول؛ نور دیده‌ی حضرت رسول به نام نامی و لقب گرامی زهراء بتول علیها الصلاة والسلام». ۲- عرفا؛ زن را مظهر نفس کلی می‌دانند که قلب او محل تجلی انوار عقل کل است و از این جهت در مقام عبودیت که مقصد اصلی خلقت است تام و تمام است ۳- بر همان مبنا که زن مظهر نفس کلی است، صاحب نفس کلی را حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها» می‌دانند، به آن اعتبار که هر مقامی یک «واصل» دارد و بقیه «تابع» اند. حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها» واصل و صاحب مقام نفس کلی و صورت عبودیت محضه هستند ۴- این نیاز به یک بررسی دارد تا اشعار مربوط به حضرت استخراج شود ۵- غیر از آنچه فرمودید اطلاعی ندارم ۶- خطبة حضرت فاطمه زهرا «علیهاالسلام» در مسجد مدینه پس از حاکمیت ابابکر و زیر پا گذاردن پیام غدیر، یک دائرةالمعارف عقیدتی، کلامی و سیاسی است که حکایت از بینش توحیدی و سیاسی دختر پیامبر «علیهاالسلام» دارد. «فاطمه «علیهاالسلام» بنیانگذار نهضتی است که هنوز ادامه دارد. یعنی فاطمه «علیهاالسلام» در مقابل جریان‌ی که پیام غدیر را زیر پا گذارد، جبهه‌ای را گشود که بالاخره اسلام را به مسیر خود برمی‌گرداند و به همین جهت شعار حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» چون ظهور فرماید، عبارت است از «وَفِي اٰیٰتِنَا رَسُوْلٌ لِّیْ اَسْوَةٌ حَسَنَةٌ» یعنی؛ الگو و اُسوه‌ی من در این راه دختر رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» است.

فاطمه «علیهاالسلام» با آن تیزنگری خاص که فرهنگ توحیدی اسلام به آن حضرت داده به‌خوبی آفت عدم حاکمیت معصوم را می‌فهمد و می‌فهماند و جایگاه اعتراض خود را روشن می‌کند، که بحث نه بحث حاکمیت شخص خلیفه اول است و نه شخص دیگر. بحث، بحث حاکمیت فرهنگی است که ارتباط بشر را از آسمان قطع کرده و چنین بشری دیگر نمی‌تواند زندگی خود را به ثمر برساند و گرفتار دیوارهای تنگ و سیاه زمین می‌گردد و معنی زندگی زمینی خود را گم خواهد کرد، شاید هنر سخنران محترم در نشان دادن این نکته مهم در عمق خطبة حضرت فاطمه «علیهاالسلام» باشد و اگر به‌واقع این نکته اساسی برای بشر امروز روشن شود، همه‌چیز برایش روشن شده است.

به طور مسلم انبیاء و اولیاء «علیهم‌السلام» محورهای اصلی سیاست‌های سالم بشری هستند و این امر هیچ استثنایی نخواهد داشت. عمده آن است که سیاست‌مداری اولیاء خدا را از سیاست‌بازی اهل دنیا تفکیک کنیم، چرا که اگر سیاست‌مداری یعنی ایجاد نقش مفید در سرنوشت اجتماعی انسان‌ها، بیشترین تعیین نقش در تاریخ را باید به انبیاء و اولیاء «علیهم‌السلام» داد و هرگز نباید در تحلیل مواضع و سخنان آن بزرگان از این منظر غفلت نمود.

از جمله حرکات نقش آفرین در تاریخ، نقش فاطمه زهرا «علیها السلام» پس از رحلت رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» است که علاوه بر حرکات و گفتارهای آن حضرت در مواقع مختلف که هر کدام عامل کنترل انحرافی و یا جهت گیری مهمی در صدر اسلام شده است، خطبه آن حضرت در مسجد مدینه یک دائرة المعارف از دقت های عقیدتی، سیاسی، تاریخی، جامعه شناختی است، به طوری که انسان نسبت به دقت های آن حضرت حیران می شود و به واقع حضرت زهرا «علیها السلام» در این خطبه - در آن شرایط خاص - جبهه ای را در راستای انحراف به وجود آمده پایه گذاری کردند و جهتی را نشان دادند که امام عسکری «علیه السلام» در این رابطه فرمودند: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ وَ جَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا» یعنی؛ ما (امامان) حجت های خدا بر مردم هستیم، - تا راه را از بیراهه نشان دهیم - و جدّه ما فاطمه، حجت است بر ما.

دقت ها و تحلیل های فاطمه زهرا «علیها السلام» در خطبه مشهورشان در مسجد مدینه در ریشه یابی انحراف و شناخت آن، در نهضت اسلامی، برای امروز ما بسیار کارساز است. با حوصله زیاد و دقت فراوان نسبت به جزء جزء مطالب آن خطبه نشان می دهد دختر خانه توحید «علیها السلام» در چه بینش سیاسی نسبت به زمانه خود قرار دارد.

مسلم دیانت از سیاست جدا نیست، ولی آن سیاستی که منشأ اعمال حکیمانه شود و در هر مرحله ای از تاریخ بهترین موضع گیری را انجام دهد، مخصوص اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» است و فاطمه «علیها السلام» به جهت قداستی که در نزد قاطبه جهان اسلام دارد می تواند منشأ وحدت جهان اسلام گردد. چون وقتی جوانان اهل سنت متوجه شوند که فاطمه ای که رضایتش میزان رضایت رسول الله «صلوات الله علیه و آله» و رضایت خدا است، چگونه در صدر اسلام، پس از رحلت رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» به عنوان مخالف جریان موجود، موضع گیری می کند؟ به فکر فرو می روند و مسلم در نگاه و نظر خود به وقایع صدر اسلام تجدید نظر می نمایند، ما معتقدیم فاطمه «علیها السلام» می تواند در ابتدا محور تقریب مذاهب اسلامی قرار گیرد و در نهایت به عنوان تنها قرائت صحیح از اسلام، موجب ظهور اسلام ناب محمدی «صلوات الله علیه و آله» در سراسر جهان اسلام گردد و در راستای چنین قرائتی از اسلام، عزت اسلامی به جهان اسلام باز گردانده خواهد شد.

یک روز وظیفه شیعیان عبارت از آن بود که مواظب باشند در فضای گسترده اسلام اهل سنت هضم نشوند و لذا سعی می شد با موضع گیری و انتقاد به اسلام اهل سنت خود را نگهدارند، ولی در قرن اخیر قضیه شکل دیگری به خود گرفته و آن این که: اولاً؛ شیعه و سنی هر دو وظیفه دارند اسلام را از خطر هضم شدن در فضای سکولار مدرنیته فرقه تکفیری حفظ نمایند و ثانیاً؛ امروز وظیفه شیعیان به جای مقابله با اهل سنت ارتباط فعال با آنهاست تا کمالات و دقایق مکتب تشیع را به گوش جوانان اهل سنت برسانند. امروز دیگر خطر هضم تشیع از بین رفته است ولی وظیفه شیعه برای احیاء فرهنگ اهل بیت «علیهم السلام» باقی مانده است، و شرط موفقیت در این امر مهم پرهیز جدی از

هرگونه حرکتی است که موجب اختلاف شود تا بتوانیم در يك گفتگوی فرهنگی حقانیت اهل‌البیت «علیهم‌السلام» را به گوش برادران خود برسانیم و سخن حضرت زهرا «علیها‌السلام» که فرمود: «وَإِطَاعَتُنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ» امت اسلامی با اطاعت از ما منسجم می‌شوند و با قبول امامت ما از تفرقه مصون می‌مانند، محقق شود.

امروز اگر جوانان اهل سنت از خود بپرسند چرا جهان اسلام از آن شایستگی که باید داشته باشد عقب افتاده است، ما آن‌ها را به خطبة حضرت زهرا «علیها‌السلام» در مسجد مدینه راهنمایی می‌کنیم، آن‌جایی که حضرت به نحوه‌ای بسیار روشن از چنین فاجعه‌ای خبر دادند و روشن نمودند اگر به ابی‌الحسن برگردید عزت دنیا و آخرت خود را باز خواهید یافت. پس از توجه دادن جوانان به خطبه حضرت زهرا «علیها‌السلام» منتظر می‌مانیم تا جوانان اهل سنت به کمک فاطمه «علیها‌السلام»، واقعه صدر اسلام را بازخوانی کنند و لذا است که ما در ارائه مطالب در عین این‌که به شیعه نظر داشته‌ایم، گوشه چشمی نیز به غیر شیعه داریم، امید است که این کار شروع خوبی باشد.

چیزی که تأکید بر آن را ضروری می‌دانم؛ قدرت تحلیل درست مسائل اجتماعی است. متأسفانه جهان روشنفکری و فرهنگ ژورنالیستی آن‌چنان ملاک‌های خود را در تحلیل مسائل حاکم کرده است که گویا نگاه دیگری برای تحلیل حادثه‌ها وجود ندارد و عملاً طلاب و دانشجویان عزیز ما در پيله‌های تحلیل‌های مادی‌گرایانه جهان معاصر گرفتار آمده‌اند. وقتی نور اسلام - تنها دینی که نورش هنوز با تحریف و انحراف خاموش نشده بود- پس از رحلت پیامبر «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به شدت ضعیف شد، دیگر سراسر تاریخ را ظلمت فرا گرفت و «دین» به جای وسیله تعالی انسان‌ها، وسیله رام کردن مردم در مقابل نفس اماره حاکمان گشت. و اگر در خطبه حضرت فاطمه «علیها‌السلام» دقت بفرمایید، آن حضرت در سخنانش به ما می‌آموزد چگونه تاریخ را ارزیابی کنیم و مرز بین ظلمات و نور را تشخیص دهیم. با ظهور اسلام زمینه تولد بشر فراهم گشت. بشری که اولاً: با شوق حضور، نظر به آسمان دارد و می‌خواهد با عالم قدس تماس بگیرد. ثانیاً: با «الله» یعنی با اسم جامع الهی می‌خواهد آشنا شود، تا بتواند تمام اوصاف متعارض با اوصاف الهی را بشناسد و ظلمات آخرالزمان را که همه حجاب‌های ظلمانی را به صحنه می‌آورد، پاره کند. ولی با حذف اهل‌البیت «علیهم‌السلام» که صورت تام چنین حضور و چنین مقصدی بودند، همه چیز واژگون شد و ما بیش از هزار سال است که در واژگونگی اسلام به سر می‌بریم، و با برگشت جهان اسلام به فاطمه «علیها‌السلام» این واژگونگی هرچه سریع‌تر تغییر خواهد کرد، و ظهور انقلاب اسلامی شروع مبارک آن برگشت است و مایه امیدواری، که گویا تاریخ در حال تغییر مسیر است و امروز بیش از دیروز فاطمه «علیها‌السلام» نقش آفرین خواهد بود. و همچنان که مقام معظم رهبری «حفظه‌الله‌تعالی» فرمودند: در عین تأکید بر حقانیت غدیر هرگز نباید واقعه غدیر را وسیله اختلاف بین شیعه و سنی نمود، سخنان فاطمه زهرا «علیها‌السلام» نیز نباید وسیله اختلاف بین جهان اسلام شود، بلکه باید رهنمود و هشیارباشی برای احیاء هرچه بیشتر جهان اسلام

باشد. إن شاء الله . موفق باشید